مدیرعامل خانه کتاب ایران در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» از ساماندهی وضعیت کتاب و مشکلات این عرصه می‌گوید

حال ناخوش کاغذ و وجود همزمان ۲۰ ترجمه از یک کتاب

افسانه فرهان

■ شما در شـــرایطی به ریاست خانه کتاب ایران منصوب شدید که این مرکز مشکلات و حاشیه‌های زیادی داشت. برای خانه کتاب چه برنامه‌هایی داشتید و چه میزان به اهدافتان نزدیک شده‌اید؟

مؤسساتی مثل خانه کتاب که تأثیرگذارند، همیشه حواشـــی زیادی داشـــته‌اند. اولین برنامه من این بود که این حواشی را کم کنیم. اقدام اول، ایجاد نوعی همدلی کم‌رنگ‌شده، بین کارکنان مؤســـسه بود. اقدام بعدی اتکا به نیروهای خـــود مجموعه بود تـــا بتوانیم برنامه‌های مؤســـسه و اهدافـــی را که در نظر داشـــتیم، جلو ببریم. مســـئله بعدی، توجه، مشورت و به بازی گرفتن نهادها و انجمن‌های حوزه نشر و اهل قلم در تصمیم‌گیری‌ها بود. ما این سه هدف بزرگ را در خانه کتاب داشتیم که البته دیگران باید در مـــورد عملکرد این یک‌ســـال و چهار ماهه ما قضاوت کنند. خانه کتاب این ظرفیت را دارد کـــه کارهای مهم فرهنگی را پیش ببرد. خانه کتاب در گیر یک سری مسائل شده بود که در شرح وظایف آن نبود، ما بعضی از آن‌هـــا را حذف کردیم؛ مثلا به فروش کتاب الکترونیکی از سایت‌ها ورود کرده بود؛ من اعتقاد داشـــتم که خانه کتاب نباید رقیب بخـــش خصوصی باشـــد، بلکه باید کمک‌کننده و هدایت‌کننـــده و ناظر به بخش خصوصی باشـــد. به همیـــن دلیل این نقش را حذف و اعلام آمادگـــی کردیم که به بخش خصوصی کمک کنیم. نکته بعدی در مورد اطلاعات خانه کتـــاب بود؛ می‌دانید که مهمترین و منحصر به فردترین بانک اطلاعات کتـــاب، در اختیار خانه کتاب اســـت، اما این اطلاعات حبس شـــده بود، ما ســـعی کردیم از ایـــن اطلاعات حبس‌زدایـــی کنیم و اعلام آمادگی کردیم که اطلاعات خانه کتاب را در اختیار نهادها و ســـازمان‌ها و ناشران نشریات حرفه‌ای، قرار دهیم و برنامه‌های هم ترتیب دادیم. حدود ۱۵ سال بود که زیرساخت‌های اطلاعاتی خانه کتاب تغییر نکرده و سستی بود. از سال گذشـــته این برنامه را شروع کردیم و فکر می‌کنم بتوانیم تا حـــدود یک ماه دیگر این زیرســـاخت‌های اطلاعاتی را در اختیار افراد، نهادها و ســـازمان‌هایی که نیاز دارند، قرار دهیم و ایـــن به نظر من تحـــول بزرگی است که بعد از ۱۵ ســـال در خانه کتاب اتفاق افتاد. از برنامه‌های دیگر ما، طرح‌های فصلی است. مســـئله دیگر، سیاســـت شفاف‌سازی بود. علاوه‌بـــر طرح‌های فصلـــی، یارانه‌ای به کتاب‌فروشـــی‌ها اختصاص دادیـــم که برای اولین بار کاملا شفاف روی سایت خانه کتاب بارگذاری شد که هر کتاب‌فروشی چه میزان یارانه از طرح‌های فصلی عیدانـــه یا پاییزانه اخذ کرده و همین روند را در مورد هزینه‌های مطلقی خانه کتاب از جمله جشنواره‌ها ادامه دادیم. نکته بعدی بحث مشارکت‌پذیری در جشنواره‌ها بود که بـــسعی کردیم از ظرفیت سایر سازمان‌ها و بنگاه‌ها در کارهای فرهنگی استفاده کنیم.

■ این یارانـــه در جهت جلوگیری از بسته‌شدن کتاب‌فروشی‌ها اعطا شد؟

بلـــی. در دهـــه ۹۰ تحولاتـــی در جامعه فرهنگی و اجتماع ایران اتفاق افتاد و موجب شد کتاب‌فروشی‌ها کم رمق یا بی‌رمق شوند، برخی در حال تغییر هویـــت و برخی در حال تغییر کاربری کتاب‌فروشی به شغل دیگری یا درآمد بیشتر بودند؛ اما با روی کار آمدن دکتر صالحی تقویت کتاب‌فروشـــی‌ها در دستور کار قرار گرفت؛ در ســـال‌های گذشته، یارانه در قالب کاغذ، خرید زینـــک و خرید کتاب از ناشر، فقط به ناشـــران تعلق می‌گرفت؛ یعنی فقط یک حلقه از صنعت نشر دیده شده بود و به حلقه‌های بعدی و قبلی توجه نشده بود. به همین دلیل معاونت فرهنگی روی دو مسئله طرح‌های فصلی و کتاب‌فروشی‌ها تمرکز کرد. یعنی همان یارانه‌ای که به ناشـــر می‌دادیم، باید به مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شد. در نتیجه قالب این یارانه تغییر کرد و تصمیم گرفتیم به جای این که یارانه را در نمایشگاه‌ها توزیع کنیم، در کتاب‌فروشی به مصرف‌کننده نهایی، یعنی همه مردم ایـــران، تعلق بگیرد. اگر چه ابتدا اســـتقبال خوبی از آن نشـــد، اما اکنون خوشبختانه طرح‌های فصلی به‌خوبی جاافتاده و شاید یکی از مهمترین طرح‌هایی بود که در دولت آقای روحانی اجرا شد. یارانه‌ها باید با حداقل خطا هزینه شـــوند، بنا را بر این گذاشتیم که شـــهروندان بتوانند با تخفیف کتاب را خریـــداری کنند و ایـــن تخفیف از طرف دولت به کتاب‌فروشی‌ها پرداخت شود و ابزار کنترلی ما نیز بیشتر شود؛ البته در این میان، پول چندانی هم رد و بدل نمی‌شـــود، بلکه اعتبار پول است که به کتاب‌فروشی اعطا می‌شود. توصیه کردیم که چنین طرح‌هایی را برای ســـازمان‌ها، نهادها و بنگاه‌های مختلف هم اعمال کنند. بعد می‌توانیم تحلیل محتوا کنیـــم که مردم بـــه کدام کتاب‌هـــا گرایش بیشتری دارند که بسیار مفید خواهد بود. کنار این یارانه، برای کتاب‌فروشـــی‌ها تسهیلاتی در قالـــب وام‌هـــای کم‌بهره در نظـــر گرفته شد که خوشـــبختانه بازســـازی یا تأسیس کتاب‌فروشی‌های بســـیاری را در پی داشت. چون اعتقاد داریم که کتاب‌فروشی‌ها نوعی پاتوق فرهنگی هســـتند و باید خود را با دنیای مدرن تطبیق دهند و ســـلایق متفاوت افراد جامعه امـــروز را درنظر بگیرند. یقین دارم که مردم ما اگـــر کتاب‌فروشـــی‌ها فضایی را در اختیارشان قرار دهند، مایلند بخشی از اوقات فراغت خود را در کتاب‌فروشـــی‌ها ســـپری کنند. بنابراین باید کارهـــای جدیدی انجام شود تا کتاب‌فروشـــی‌ها بتوانند به حیاتشان ادامه دهند.

■ برنامه‌های خانه کتاب چه میزان روی تهران متمرکز بوده و چه میزان به شهرستان‌ها نظر داشته‌اند؟ به عبارتی خانه کتاب فقط متعلق به تهران است یا کتاب‌فروشی‌ها و محافل ادبی سراسر ایران را پوشش می‌دهد؟

کاملا درســـت است؛ زمانی، خانه کتاب فقط متعلق به تهـــران بود، اما شـــعار دکتر صالحی این بـــود که: «ایران، تهران نیســـت و تهران، همه ایران نیســـت». این شعار باید در همـــه حوزه‌ها محقق شـــود. مـــا در خانه کتاب برنامه‌های زیـــادی از جمله طرح‌های فصلی و نشســـت‌ها را برگـــزار کردیم که در راستای همین شعار بود. شـــاید پیش از آن، بیشـــترین بودجه طرح‌های فصلی به تهران اختصاص می‌یافت، اما حداقـــل از زمانی که من در خدمت خانه کتاب بودم، استان‌ها در اولویـــت اول قرار گرفتند؛ هـــم در تخصیص اعتبار به کتاب‌فروشی‌های استان‌ها و هم در اختصاص بودجه به استان‌های انتهای جدول تجدیدنظر کردیم. همچنین طرح‌ها را چهار روز زودتر از تهران، در استان‌ها شروع کردیم. این درواقع نشانگر نوع نگاه ما به استان‌هاســـت. همچنین در خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به‌عنوان تنها خبرگـــزاری تخصصی کتاب، تغییراتی ایجاد کردیم و تأســـیس شعب استانی خبرگزاری کتاب را در دستور کار قرار دادیم که تمام فعالیت‌های حـــوزه کتاب و فرهنگ استان‌ها را پوشش می‌دهیم. برنامه‌هایی در تجلیل از مفاخر و اندیشـــمندان حوزه نشر، اعم از ناشر، نویسنده، کتاب‌فروش، اهل قلم را تحت‌عنوان «عصر کتاب» برگزار می‌کنیم که قبلا فقط در تهران برگزار می‌شـــد، اما از سال گذشته، ما این برنامه را در استان‌ها نیز شروع و اولین «عصر کتاب» را در چهارمحال وبختیاری و دومی را در خراسان شمالی برگزار کردیم. سومی را هم پایان خرداد در استان یزد برگزار خواهیم کرد. بنابراین برنامه‌هایمان را به طرف اســـتان‌ها بردیم، زیرا اعتقاد داریم که اســـتان‌ها ظرفیت‌ها زیادی دارند که باید شناسایی و در سطح ملی معرفی شوند. حتی در حال ارائه تحلیل‌هایی از نشر استان‌ها، در حوزه داوری‌ها و کتاب سال و حوزه‌های دیگر هستیم تا بتوانیم نویسندگان را تشویق کنیم که خلاقیت خود را پرورش دهند و آثار تازه‌ای خلق کنند. سال گذشـــته در هفته کتاب هم همین رویکرد توجه به استان‌ها وجود داشت و آن را از کاشان به‌عنوان پایتخت کتاب، آغاز کردیم.

■ ســـرای اهل قلم بـــرای انتخاب کتاب‌ها چه رونـــدی را در پیش گرفته اســـت؟ آیا تمام طیف‌ها می‌توانند به حضور در آن امیدوار باشند و کتابشان انتخاب شود یا طیف خاصی در آن جای خواهند داشت؟

من معتقدم که در حوزه فرهنگ و به‌ویژه خانه کتاب، نباید طیف‌های سیاسی و فکری و فرهنگی را مدنظر قرار دهیم. ســـعی کردم تصمیم‌گیری‌ها منحصر به تصمیم شخصی من نباشـــد؛ به همین دلیل در ســـرای اهل قلم شـــورای کوچکی داریم کـــه که درمورد کتاب‌هایی کـــه از طـــرف ناشـــران، افراد و سازمان‌ها برای معرفی و نقد به سرای اهل قلم می‌آیند، تصمیم‌گیری می‌کند. سعی کردیم با نگاهی همه‌جانبه‌گرا، همه گروه‌ها را ببینیم و نگاه‌مان به خود اثر بوده، نه این که مؤلف چه کسی است؟

■ فکـــر می‌کنید ســـرای اهل قلم توانسته اعتماد از دست رفته را دوباره بین اهل قلم به‌دست آورد؟

شـــرایط سیاســـی کشـــور در دوره‌ها و دولت‌های مختلف، متفاوت بـــوده و برخی مواقع ایـــن بی‌اعتمادی به حـــوزه فرهنگ و سیاســـیون، اثر خود را گذاشته است. به نکته درســـتی اشـــاره کردید. در برخی دوره‌ها، بسیاری از اهل قلم منزوی شده بودند و رفت و آمد آن‌ها به سرای اهل قلم و خانه کتاب قطع شده بود، اما به‌نظر من این اعتماد هم در سطح کلان فرهنگی در دولت دکتر روحانی وجود داشـــته و هم ما در خانه کتاب ســـعی کردیم اعتماد اصحاب فرهنگ و هنر در حوزه نشر و پدیدآورندگان مثل نویسندگان، مصححان، ویراستاران و تصویرگران را جلب و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها شریک کنیم؛ زیرا مهم‌است که از آن‌ها صرفا اســـتفاده ابزاری نشود، بلکه در تصمیم‌گیری‌ها شریک باشند و احساس مسئولیت کنند. من احساس می‌کنم اکنون بین خانـــه کتاب و حوزه فرهنـــگ و اهل قلم اعتماد به‌وجود آمده، البته دیگران و اصحاب رسانه باید قضاوت کنند و باید همچنان رو به جلو برویم. رئیس‌جمهور در مهمانی افطار با اصحاب رسانه و فرهنگ، موسیقی، سینما و اهل کتاب؛ در همین خصوص اعتمادسازی صحبت کرد و به‌نظر می‌آید که سیاسیون هم این نقش مرجـــع را برای حوزه فرهنگ و رسانه قائل هســـتند. به‌نظر من اکنون که ســـرمایه اجتماعی ما تضعیف شده، باید به این مسئله بیشتر توجه کنیم.

■ خانه کتاب، خبرنگاران اعزامی برای نمایشـــگاه‌های خارجی را گزیده انتخاب می‌کند، روزنامه‌نگاران حوزه کتاب در روزنامه‌های مستقل هیچ‌گاه امیدوار نیســـتند که در این انتخاب جایی داشته باشـــند. هر چقدر هم جدی کار کنند، در این حیطه قرار نمی‌گیرند.

البتـــه انتخـــاب روزنامه‌نـــگاران بـــرای نمایشگاه‌های خارجی توسط دوستان ما در مؤسسه نمایشـــگاه که در همین ساختمان است، انجام می‌شود. این سیاست ما بوده که از همه خبرنگاران در همه حوزه‌های تخصصی کتاب استفاده شـــود؛ یعنی صرفا خبرگزاری کتـــاب یا خبرگـــزاری مهر و ایســـنا و فارس نباشند، بلکه از ظرفیت خبرنگاران روزنامه‌ها هم استفاده شود. شاید کسی که صفحه کتاب یک روزنامه را مدیریت می‌کند، در این میان محق نباشـــد. در شـــرایط کنونی خیلی از روزنامه‌ها صفحات کتاب‌شـــان را محدود یا به‌کلی حذف کرده‌اند. من همیشـــه گفته‌ام که کتاب بـــه خودی خود، مظلوم اســـت، اما خبرنگاری که در حوزه کتاب فعالیت می‌کند، باز هم مظلوم‌تر اســـت. اگر ما توجه نکنیم، به مرور ایـــن صفحات کتـــاب در روزنامه‌ها آب می‌روند و به ســـتون می‌رسند و به‌کلی حذف می‌شود. در شرایط کلان هم همین وضع حاکم اســـت، در مورد بودجه هـــم، اولین جایی که حذف می‌شود، بخش فرهنگ است. البته کار صفحه کتاب زمان و زحمت زیادی می‌طلبد و مـــا ســـعی کردیم خبرگزاری کتاب، مأمن و مأوایی برای خبرنگاران تخصصی کتاب و خانه خودشان باشد. در مورد انتخاب خبرنگار برای نمایشگاه‌های خارجی بنا بر این بوده که از همه طیف‌ها استفاده شود، اما اکنون که شمابحث روزنامه‌ها را مطرح کردیـــد، ما می‌توانیم این موضوع را به دوستانمان در مؤسسه نمایشگاه منتقل و موضوع را بررسی کنیم تا از ظرفیت خبرنگاران کتاب در روزنامه‌ها بیشتر استفاده شود. البته ما چشنواره «کتاب و رسانه» را هم داریم که در آن همه رسانه‌ها اعم از رسانه‌های کاغذی، صدا و سیما، برنامه‌سازان و سایت‌های خبری تمام فعالیت‌هایشان را برای جشنواره می‌فرســـتند و آثار آنها مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرد و در هفته کتاب به افراد برگزیده جوایزی اهدا می‌شـــود. این جشـــنواره جزء برنامه‌های جذاب هفته کتاب است و ما سعی کردیم خبرنگاران را در برگزاری آن شـــریک کنیم و خودمان بیشـــتر حامی و پشـــتیبان این فعالیت‌ها باشـــیم. اکنون نیز خبرگزاری کتاب در صدد تشـــکیل انجمـــن خبرنگاران کتاب است و ما هم به آن‌ها کمک می‌کنیم. در واقع می‌شود برخی فعالیت‌ها را به این انجمن واگذار کرد و من این را اقدام مثبتی می‌بینم. تعداد خبرنگاران کتاب، خیلی زیاد نیســـت و ممکن اســـت به ۵۰ نفر هم نرسند. بنابراین می‌شود جلسات آموزشی برای آن‌ها گذاشت و در عین حال در راســـتای پرسش شما، من حدود یک مـــاه پیش نامـــه‌ای جهت تقویت روزنامه‌هایی که صفحه کتاب دارند، به معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی هماهنگ کنیم، ان‌شاءالله تحقق پیدا کند.

■ چندی پیش دکتر محمود صادقی در مصاحبه‌ای گفتند که برای عضویت ایران در قانون کپی‌رایت بسیار تلاش کرده‌اند، اما معاون رئیس جمهور از جمله مقاومت‌کنندگان در برابر عضویت ایران در قانون کپی‌رایت هستند. حدود هزار سال پیش، حکیم ابوالقاسم فردوسی حق کپی‌رایت را در شـــاهنامه رعایت کرده است، در حالی که چنین چیزی در هیچ کتابی در جهان قابل مشـــاهده نیست، پس رعایت کپی‌رایت در فرهنگ ما بوده اســـت، اما چرا اکنون ما جزء ۴ کشـــور دنیا که عضو قانون کپی‌رایت نیســـتند، قرار داریم و چـــرا معاون رئیس‌جمهـــور این مقـــاوت را دارد؟ برنامه‌های جذاب هفته کتاب است و ما سعی کردیم خبرنگاران را در برگزاری آن شـــریک کنیم و خودمان بیشـــتر حامی و پشـــتیبان این فعالیت‌ها باشـــیم. اکنون نیز خبرگزاری کتاب در صدد تشـــکیل انجمـــن خبرنگاران کتاب است و ما هم به آن‌ها کمک می‌کنیم. در واقع می‌شود برخی فعالیت‌ها را به این انجمن واگذار کرد و من این را اقدام مثبتی می‌بینم. تعداد خبرنگاران کتاب، خیلی زیاد نیســـت و ممکن اســـت به ۵۰ نفر هم نرسند. بنابراین می‌شود جلسات آموزشی برای آن‌ها گذاشت و در عین حال در راســـتای پرسش شما، من حدود یک مـــاه پیش نامـــه‌ای جهت تقویت روزنامه‌هایی که صفحه کتاب دارند، به معاونت فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی هماهنگ کنیم، ان‌شاءالله تحقق پیدا کند.

خبرگزاری کتاب درصدد تشکیل انجمن خبرنگاران کتاب است و ما هم به آن‌ها کمک می‌کنیم که در واقع برخی فعالیت‌ها به این انجمن واگذار می‌شود

خانه کتاب ایران یکی از مهمترین مراکز فرهنگی در حوزه کتاب است که ساختار آن می‌تواند در صنعت نشر تعیین‌کننده باشد. دکتر نیکنام حسینی پور نزدیک به یک سال و نیم است که به ریاست این مرکز منصوب شده و طی این مدت تغییرات مثبت و روبه‌جلویی در سیاست‌های خانه کتاب اتفاق افتاده است. در پی احوال ناخوش این روزهای کتاب و تأثیر قیمت کاغذ بر صنعت چاپ و نشر، در این شماره با ایشان به گفت‌وگو نشستیم تا از تازه‌های این عرصه بیشتر بدانیم.

من معتقد نیستم که حال کتاب بد است، بلکه در همین شرایط، باز هم کتاب حالش خوب است و مردم می‌توانند با حداقل درآمد، یک کتاب را بخرند

■ البته آقای دکتر، کشـــوری مانند فرانســـه که در ادبیات پیشتاز است، حدود ۲۰۰۰ جایزه در سال برگزار می‌کند و در نتیجه هر نویسنده‌ای با هر سطح کیفـــی می‌تواند به بـــردن یکی از این جایزه‌ها امیدوار باشد و این خود ایجاد انگیزه می‌کند.

بلی. البته آن‌ها یک جایـــزه اصلی و تعداد زیادی جایزه فرعی دارند. اکنون در کشـــور ما هم حدود ۳۵ جایزه در حال برگزاری است که بخشـــی از آن‌ها توســـط نهادهای دولتی برگزار می‌شود مثل کتاب سال و جایزه جلال آل‌احمد و جایزه پروین اعتصامی و جشنواره شعر و جایزه فارابی که وزارت علوم عهده‌دار آن است و بخشـــی از این جوایز توسط بخش خصوصی اهدا می‌شود و بخشی هم موضوعی هســـتند مثل جایزه لاک پشـــت پرنده که مخصوص کودک و نوجوان است. ما می‌توانیم این‌ها را تقویت کنیم تا تعداد جوایز بیشـــتر شود و بخش خصوصی بتواند چنین جوایزی را برگزار کند تا هم ارزیابی کتاب‌ها بیشتر اتفاق بیافتد و هم چکیده نشر ایران در جشنواره‌ها مشخص شود. مثلا در سال ۹۷، حدود ۵۳۰ کتاب برگزیده شـــدند که این چکیده نشر را نشان می‌دهد.

■ حالا که بحث به جوایز و جشنواره‌ها کشیده شـــد، حتما می‌دانید که مدتی است این جایزه‌ها وجشنواره‌ها رو به فزونی رفته و ناشران شروع به برگزاری جایزه و جشنواره کرده‌اند و متأسفانه درنهایت مشخص می‌شود ناشر به کتاب خودش جایزه داده اســـت که انتقادات روزنامه‌نگاران حوزه کتـــاب را در پی داشته اســـت. نتیجه این است که در دوره‌های بعـــد، ناشـــران در چنین جایزه‌هایی شرکت نمی‌کنند. در نتیجه صرف هزینه و زمان و انرژی برای هیچ اتفاق می‌افتد. آیا خانه کتاب بر روند این جایزه‌ها نظارت می‌دارد؟

ما بر جوایزی کـــه بخش خصوصی برگزار می‌کند، نظارتی نداریم و نمی‌توانیم نظارتی داشته باشیم. اما می‌شـــود با آن‌ها همفکری کرد و به آن‌ها جهت داد. گاهی این جایزه‌ها به محاق رفته‌اند و دیگر برگزار نشده‌اند و شاید در دوره‌هایی نگاهی سیاســـی به این جوایز وجود داشـــته اســـت، اما ما باید از این جوایز حمایت کنیم تا ادامه یابنـــد. من موافقم که بخش خصوصی در این زمینه پیشتاز باشند و حرکت کنند، به شرط این که از منابع عمومی و دولتی استفاده نکنند و این کار را خودشان را انجام دهند، اما از نظر محتوایی، شاید بهتر است که جهت‌یابی سیاسی در مورد آن‌ها از بین برود، زیرا معتقدم کتابی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی مجوز گرفته، می‌تواند وارد فرآیند داوری شود؛ چه در جوایز دولتی و چـــه در جوایز خصوصی. حداقل باید اگر به بخش خصوصی کمک نمی‌کنیـــم، چـــوب لای چرخشـــان هم نگذاریم.

■ می‌خواهم بپرسم که چرا این‌قدر در ایران مجوز نشر، ساده صادر می‌شود؟ یعنی نزدیک به ســـه هزار ناشر وجود دارند و هنوز هم روند صدور مجوز ادامه دارد تا جایی که به افراد کم‌سن و سال هم مجوز نشر داده می‌شـــود. در حالی که کتاب‌فروشـــی‌ها مدام در حال تعطیل شدن هستند و از سوی دیگر، یک کتاب، سال‌ها برای دریافت مجوز در وزارت ارشاد معطل می‌ماند که حالا یا بلاخره مجوز را دریافت می‌کند یا اصلا موفق به دریافـــت مجوز نمی‌شـــود. اگر کتابی شایسته دریافت مجوز از سوی وزارت ارشاد است، چرا ۱۰ سال پیش نگرفته است و آیا این سلیقه‌ای بر خورد کردن نیست؟ حتی گاهی می‌بینیم که کتابی پس از دریافت مجوز، دوباره لغو مجوز می‌شود.

در خصوص نشر، من حرف شـــما را تأیید می‌کنم؛ در همه دنیا ایـــن معادله برعکس ایران اســـت، یعنـــی برخلاف ایـــران، تعداد کتاب‌فروشی‌ها بر تعداد ناشـــران تا سه برابر فزونی دارد. حدود ۱۶ هزار پروانه نشر در ایران صادر شده اســـت و این که چه تعداد از این‌ها فعال هســـتند، آمارهای ما حکایت از این دارد که در سال گذشـــته حدود ۱۰۱ هزار عنوان کتاب توسط ۵۰۰۰ ناشـــر چاپ شده است. در همین آمار، نکاتی نهفته اســـت که نشان می‌دهد ما در حوزه نشـــر جـــای کار زیادی داریم. یعنـــی ۵۶ درصد کتاب‌ها توســـط ۸ درصد ناشـــران، چیزی نزدیک به ۵۰۰ ناشر چاپ شده اســـت. یعنی نزدیک ۵۰۰ ناشر در ســـال ۹۷ پرکار و حرفه‌ای بوده‌اند. بنابراین چاره‌ای نداریم جز این که صنعت نشر ایران را به سمت حرفه‌ای شدن ببریم. یعنی تعدادی ناشـــر حرفه‌ای وجود داشته باشند، نه این که تعداد زیادی ناشر داشته باشـــیم. من کاملا با این شـــرایط مخالفم. اگر ما ۱۰۰۰ ناشـــر حرفه‌ای داشـــته باشـــیم، بهتر از این است که ۵۰۰۰ ناشـــر غیرحرفه‌ای داشته باشیم که هم نتوانیم به آن‌هـــا خدمات بدهیم و هم نتوانیم در نمایشـــگاه تهران و خارج از کشور، آن‌ها را حمایت کنیم. همین نمایشگاه‌های بین‌المللی و از جمله نمایشـــگاه کتاب تهران باید محلـــی برای گفت‌وگو بین نویســـنده و مخاطب و بین ناشران باشد، اما در غرفه‌های ۶ متری و ۹ متری می‌توانیم چه فضایی برای گفت‌وگو بین مخاطب و نویســـنده یا ناشران فراهم کنیم؟ تصور می‌کنم در وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی و اتحادیه ناشـــران هم این شـــرایط به‌وجود آمده که چاره‌ای نداریم جز مجوز نشر داده می‌شـــود. در حالی که کتاب‌فروشـــی‌ها مدام در حال تعطیل شدن هستند و از سوی دیگر، یک کتاب، ســـال‌ها برای دریافت مجوز در وزارت ارشاد معطل می‌ماند که حالا یا بلاخره مجوز را دریافت می‌کند یا اصلا موفق به دریافـــت مجوز نمی‌شـــود. اگر کتابی شایسته دریافت مجوز از سوی وزارت ارشاد است، چرا ۱۰ سال پیش نگرفته است و آیا این سلیقه‌ای بر خورد کردن نیست؟ حتی گاهی می‌بینیم که کتابی پس از دریافت مجوز، دوباره لغو مجوز می‌شود.

من معتقد نیستم که حال کتاب بد است، بلکه در همین شرایط، باز هم کتاب حالش خوب است و مردم می‌توانند با حداقل درآمد، یک کتاب را بخرند

■ البته آقای دکتر، کشـــوری مانند فرانســـه که در ادبیات پیشتاز است، حدود ۲۰۰۰ جایزه در سال برگزار می‌کند و در نتیجه هر نویسنده‌ای با هر سطح کیفـــی می‌تواند به بـــردن یکی از این جایزه‌ها امیدوار باشد و این خود ایجاد انگیزه می‌کند.

بلی. البته آن‌ها یک جایـــزه اصلی و تعداد زیادی جایزه فرعی دارند. اکنون در کشـــور ما هم حدود ۳۵ جایزه در حال برگزاری است که بخشـــی از آن‌ها توســـط نهادهای دولتی برگزار می‌شود مثل کتاب سال و جایزه جلال آل‌احمد و جایزه پروین اعتصامی و جشنواره شعر و جایزه فارابی که وزارت علوم عهده‌دار آن است و بخشـــی از این جوایز توسط بخش خصوصی اهدا می‌شود و بخشی هم موضوعی هســـتند مثل جایزه لاک پشـــت پرنده که مخصوص کودک و نوجوان است. ما می‌توانیم این‌ها را تقویت کنیم تا تعداد جوایز بیشـــتر شود و بخش خصوصی بتواند چنین جوایزی را برگزار کند تا هم ارزیابی کتاب‌ها بیشتر اتفاق بیافتد و هم چکیده نشر ایران در جشنواره‌ها مشخص شود. مثلا در سال ۹۷، حدود ۵۳۰ کتاب برگزیده شـــدند که این چکیده نشر را نشان می‌دهد.

■ حالا که بحث به جوایز و جشنواره‌ها کشیده شـــد، حتما می‌دانید که مدتی است این جایزه‌ها وجشنواره‌ها رو به فزونی رفته و ناشران شروع به برگزاری جایزه و جشنواره کرده‌اند و متأسفانه درنهایت مشخص می‌شود ناشر به کتاب خودش جایزه داده اســـت که انتقادات روزنامه‌نگاران حوزه کتـــاب را در پی داشته اســـت. نتیجه این است که در دوره‌های بعـــد، ناشـــران در چنین جایزه‌هایی شرکت نمی‌کنند. در نتیجه صرف هزینه و زمان و انرژی برای هیچ اتفاق می‌افتد. آیا خانه کتاب بر روند این جایزه‌ها نظارت می‌دارد؟

ما بر جوایزی کـــه بخش خصوصی برگزار می‌کند، نظارتی نداریم و نمی‌توانیم نظارتی داشته باشیم. اما می‌شـــود با آن‌ها همفکری کرد و به آن‌ها جهت داد. گاهی این جایزه‌ها به محاق رفته‌اند و دیگر برگزار نشده‌اند و شاید در دوره‌هایی نگاهی سیاســـی به این جوایز وجود داشـــته اســـت، اما ما باید از این جوایز حمایت کنیم تا ادامه یابنـــد. من موافقم که بخش خصوصی در این زمینه پیشتاز باشند و حرکت کنند، به شرط این که از منابع عمومی و دولتی استفاده نکنند و این کار را خودشان را انجام دهند، اما از نظر محتوایی، شاید بهتر است که جهت‌یابی سیاسی در مورد آن‌ها از بین برود، زیرا معتقدم کتابی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی مجوز گرفته، می‌تواند وارد فرآیند داوری شود؛ چه در جوایز دولتی و چـــه در جوایز خصوصی. حداقل باید اگر به بخش خصوصی کمک نمی‌کنیـــم، چـــوب لای چرخشـــان هم نگذاریم.

■ می‌خواهم بپرسم که چرا این‌قدر در ایران مجوز نشر، ساده صادر می‌شود؟ یعنی نزدیک به ســـه هزار ناشر وجود دارند و هنوز هم روند صدور مجوز ادامه دارد تا جایی که به افراد کم‌سن و سال هم مجوز نشر داده می‌شـــود. در حالی که کتاب‌فروشـــی‌ها مدام در حال تعطیل شدن هستند و از سوی دیگر، یک کتاب، ســـال‌ها برای دریافت مجوز در وزارت ارشاد معطل می‌ماند که حالا یا بلاخره مجوز را دریافت می‌کند یا اصلا موفق به دریافـــت مجوز نمی‌شـــود. اگر کتابی شایسته دریافت مجوز از سوی وزارت ارشاد است، چرا ۱۰ سال پیش نگرفته است و آیا این سلیقه‌ای بر خورد کردن نیست؟ حتی گاهی می‌بینیم که کتابی پس از دریافت مجوز، دوباره لغو مجوز می‌شود.

در خصوص نشر، من حرف شـــما را تأیید می‌کنم؛ در همه دنیا ایـــن معادله برعکس ایران اســـت، یعنـــی برخلاف ایـــران، تعداد کتاب‌فروشی‌ها بر تعداد ناشـــران تا سه برابر فزونی دارد. حدود ۱۶ هزار پروانه نشر در ایران صادر شده اســـت و این که چه تعداد از این‌ها فعال هســـتند، آمارهای ما حکایت از این دارد که در سال گذشـــته حدود ۱۰۱ هزار عنوان کتاب توسط ۵۰۰۰ ناشـــر چاپ شده است. در همین آمار، نکاتی نهفته اســـت که نشان می‌دهد ما در حوزه نشـــر جـــای کار زیادی داریم. یعنـــی ۵۶ درصد کتاب‌ها توســـط ۸ درصد ناشـــران، چیزی نزدیک به ۵۰۰ ناشر چاپ شده اســـت. یعنی نزدیک ۵۰۰ ناشر در ســـال ۹۷ پرکار و حرفه‌ای بوده‌اند. بنابراین چاره‌ای نداریم جز این که صنعت نشر ایران را به سمت حرفه‌ای شدن ببریم. یعنی تعدادی ناشـــر حرفه‌ای وجود داشته باشند، نه این که تعداد زیادی ناشر داشته باشـــیم. من کاملا با این شـــرایط مخالفم. اگر ما ۱۰۰۰ ناشـــر حرفه‌ای داشـــته باشـــیم، بهتر از این است که ۵۰۰۰ ناشـــر غیرحرفه‌ای داشته باشیم که هم نتوانیم به آن‌هـــا خدمات بدهیم و هم نتوانیم در نمایشـــگاه تهران و خارج از کشور، آن‌ها را حمایت کنیم. همین نمایشگاه‌های بین‌المللی و از جمله نمایشـــگاه کتاب تهران باید محلـــی برای گفت‌وگو بین نویســـنده و مخاطب و بین ناشران باشد، اما در غرفه‌های ۶ متری و ۹ متری می‌توانیم چه فضایی برای گفت‌وگو بین مخاطب و نویســـنده یا ناشران فراهم کنیم؟ تصور می‌کنم در وزارت فرهنگ و ارشاد اســـلامی و اتحادیه ناشـــران هم این شـــرایط به‌وجود آمده که چاره‌ای نداریم جز مجوز نشر داده می‌شـــود. در حالی که کتاب‌فروشـــی‌ها مدام در حال تعطیل شدن هستند و از سوی دیگر، یک کتاب، ســـال‌ها برای دریافت مجوز در وزارت ارشاد معطل می‌ماند که حالا یا بلاخره مجوز را دریافت می‌کند یا اصلا موفق به دریافـــت مجوز نمی‌شـــود. اگر کتابی شایسته دریافت مجوز از سوی وزارت ارشاد است، چرا ۱۰ سال پیش نگرفته است و آیا این سلیقه‌ای بر خورد کردن نیست؟ حتی گاهی می‌بینیم که کتابی پس از دریافت مجوز، دوباره لغو مجوز می‌شود.

در خصوص نشر، من حرف شـــما را تأیید می‌کنم؛ در همه دنیا ایـــن معادله برعکس ایران اســـت، یعنـــی برخلاف ایـــران، تعداد کتاب‌فروشی‌ها بر تعداد ناشـــران تا سه برابر فزونی دارد. حدود ۱۶ هزار پروانه نشر در ایران صادر شده اســـت و این که چه تعداد از این‌ها فعال هســـتند، آمارهای ما حکایت از این دارد که در سال گذشـــته حدود ۱۰۱ هزار عنوان کتاب توسط ۵۰۰۰ ناشـــر چاپ شده است. در همین آمار، نکاتی نهفته اســـت که نشان می‌دهد ما در حوزه نشـــر جـــای کار زیادی داریم. یعنـــی ۵۶ درصد کتاب‌ها توســـط ۸ درصد ناشـــران، چیزی نزدیک به ۵۰۰ ناشر چاپ شده اســـت. یعنی نزدیک ۵۰۰ ناشر در ســـال ۹۷ پرکار و حرفه‌ای بوده‌اند. بنابراین چاره‌ای نداریم جز این که صنعت نشر ایران را به سمت حرفه‌ای شدن ببریم. یعنی تعدادی ناشـــر حرفه‌ای وجود داشته باشند، نه این که تعداد زیادی ناشر داشته باشـــیم. من کاملا با این شـــرایط مخالفم. اگر ما ۱۰۰۰ ناشـــر حرفه‌ای داشـــته باشـــیم، بهتر از این است که ۵۰۰۰ ناشـــر غیرحرفه‌ای داشته باشیم که هم نتوانیم به آن‌هـــا خدمات بدهیم و هم نتوانیم در نمایشـــگاه تهران و خارج از کشور، آن‌ها را حمایت کنیم. همین نمایشگاه‌های بین‌المللی و از جمله نمایشـــگاه کتاب تهران باید محلـــی برای گفت‌وگو بین نویســـنده و مخاطب و بین ناشران باشد، اما در غرفه‌